

تولد عیسی

¹ و در آن ایام حکمی از اوغُسْطُس قیصر صادر گشت که تمام ربع مسکون را اسم نویسی کنند.² و این اسم نویسی اوّل شد، هنگامی که کیرینیوس والی سوریه بود.³ پس همه مردم هر یک به شهر خود برای اسمنویسی می‌رفتند.⁴ و یوسف نیز از جلیل از بلده ناصره به یهودیه به شهر داود که بیت لحم نام داشت، رفت. زیرا که او از خاندان و آل داود بود.⁵ تا نام او با مریم که نامزد او بود و نزدیک به زاییدن بود، ثبت گردد.⁶ و وقتی که ایشان در آنجا بودند، هنگام وضع حمل او رسیده،⁷ پسر نخستین خود را زایید. و او را در قنداقه پیچیده، در آخور خوابانید. زیرا که برای ایشان در منزل جای نبود.

جوپانان به سمت عیسی می آیند

⁸ و در آن نواحی، شبانان در صحرا بسر می‌بردند و در شب پاسبانی گله‌های خویش می‌کردند.⁹ ناگاه فرشته خداوند بر ایشان ظاهر شد و کبریایی خداوند بر گرد ایشان تابید و بغایت ترسان گشتند.¹⁰ فرشته ایشان را گفت: مترسید، زیرا اینک، بشارت خوشی عظیم به شما می‌دهم که برای جمیع قوم خواهد بود.¹¹ که امروز برای شما در شهر داود، نجات دهنده‌ای که مسیح خداوند باشد متولد شد.¹² و علامت برای شما این است که طفلی در قنداقه پیچیده و در آخور خوابیده خواهید یافت.¹³ در همان حال فوجی از لشکر آسمانی با فرشته حاضر شده، خدا را تسبیح کنان می‌گفتند:¹⁴ خدا را در اعلی‌علیین جلال و بر زمین سلامتی و در میان مردم رضامندی باد.

¹⁵ و چون فرشتگان از نزد ایشان به آسمان رفتند، شبانان با یکدیگر گفتند: الآن به بیت لحم برویم و این چیزی را که واقع شده و خداوند آن را به ما اعلام نموده است ببینیم.¹⁶ پس به شتاب رفته، مریم و یوسف و آن طفل را در آخور خوابیده یافتند.¹⁷ چون این را دیدند، آن سخنی را که درباره طفل بدیشان گفته شده بود، شهرت دادند.¹⁸ و هر که می‌شنید از آنچه شبانان بدیشان گفتند، تعجب می‌نمود.¹⁹ اما مریم در دل خود متفکر شده، این همه سخنان را نگاه می‌داشت.²⁰ و شبانان خدا را تمجید و حمدکنان برگشتند، به سبب همه آن اموری که دیده و شنیده

ولاده یسوع المسیح

¹ وَفِي تِلْكَ الْيָامِ صَدَرَ أَمْرٌ مِنْ أَوْغُسْطُس قَيْصَرٍ يَأَن يُكْتَبَ كُلُّ الْمَسْكُونَةِ.² وَهَذَا الْكِتَابُ الْأَوَّلُ جَرَى إِذْ كَانَ كِيرِينْيُوسُ وَالِي سُورِيَّةَ. قَدْ هَبَ الْجَمِيعُ لِيَكْتَسِبُوا، كُلُّ وَاحِدٍ إِلَى مَدِينَتِهِ.⁴ فَصَعِدَ يُوسُفُ أَيْضاً مِنَ الْجَلِيلِ إِلَى مَدِينَةِ النَّاصِرَةِ إِلَى الْيَهُودِيَّةِ إِلَى مَدِينَةِ دَاوُدَ الَّتِي تُدْعَى بَيْتَ لَحْمَ لِكَوْنِهِ مِنْ بَيْتِ دَاوُدَ وَعَشِيرَتِهِ، لِيَكْتَسِبَ مَعَ مَرْيَمَ امْرَأَتِهِ الْمَخْطُوبَةِ وَهِيَ حُبْلَى. وَبَيْنَمَا هُمَا هُنَاكَ تَمَّتْ أَتَامُهَا لِتِلْدِهِ،⁷ قَوْلَدَتْ ابْنَهَا الْبَكْرَ وَقَمَطْنَهُ وَأَصْجَعْنَهُ فِي الْمِدْوَدِ إِذْ لَمْ يَكُنْ لَهُمَا مَوْضِعٌ فِي الْمَنْزِلِ.

الرعاة يزورون يسوع

⁸ وَكَانَ فِي تِلْكَ الْكُورَةِ رَعَاةٌ مُتَبَدِّلِينَ يَحْرُسُونَ جِرَاسَاتِ اللَّيْلِ عَلَى رَعِيَّتِهِمْ.⁹ وَإِذَا مَلَاكُ الرَّبِّ وَقَفَ بِهِمْ وَمَجَّدَ الرَّبُّ أَصَاءَ حَوْلَهُمْ فَخَافُوا خَوْفاً عَظِيماً.¹⁰ فَقَالَ لَهُمُ الْمَلَاكُ: لَا تَخَافُوا، فَهَا أَنَا أَبَشِّرُكُمْ بِفَرَحٍ عَظِيمٍ يَكُونُ لِجَمِيعِ السَّعْبِ.¹¹ أَنَّهُ وُلِدَ لَكُمْ الْيَوْمَ فِي مَدِينَةِ دَاوُدَ مُخَلِّصٌ هُوَ الْمَسِيحُ الرَّبُّ.¹² وَهَذِهِ لَكُمْ الْعَلَامَةُ: تَجِدُونَ طِفْلاً مَقْمَطاً مُضْجَعاً فِي مِدْوَدٍ.¹³ وَظَهَرَ بَعَثَهُ مَعَ الْمَلَاكِ جُمْهُورٌ مِنَ الْجُنْدِ السَّمَاوِيِّ مُسَبِّحِينَ اللَّهَ وَقَائِلِينَ: الْمَجْدُ لِلَّهِ فِي الْأَعَالِي وَعَلَى الْأَرْضِ السَّلَامُ وَبِالنَّاسِ الْمَسَرَّةُ.

¹⁵ وَلَمَّا مَضَتْ عَنْهُمْ الْمَلَائِكَةُ إِلَى السَّمَاءِ قَالَ الرِّجَالُ الرَّعَاةُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: لِنَذْهَبِ الْآنَ إِلَى بَيْتِ لَحْمٍ وَنَنْظُرَ هَذَا الْأَمْرَ الْوَاقِعَ الَّذِي أَعْلَمْنَا بِهِ الرَّبُّ.¹⁶ فَجَاءُوا مُسْرِعِينَ وَوَجَدُوا مَرْيَمَ وَيُوسُفَ وَالطِّفْلَ مُضْجَعاً فِي الْمِدْوَدِ.¹⁷ فَلَمَّا رَأَوْهُ أَخْبَرُوا بِالْكَلامِ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ عَنْ هَذَا الصَّبِيِّ.¹⁸ وَكُلُّ الَّذِينَ سَمِعُوا تَعَجَّبُوا مِمَّا قِيلَ لَهُمْ مِنَ الرَّعَاةِ.¹⁹ وَأَمَّا مَرْيَمُ فَكَانَتْ تَحْقُقُ جَمِيعَ هَذَا الْكَلَامِ مُتَفَكِّرةً بِهِ فِي قَلْبِهَا.²⁰ ثُمَّ رَجَعَ الرَّعَاةُ وَهُمْ يُمَجِّدُونَ اللَّهَ وَيُسَبِّحُونَهُ عَلَى كُلِّ مَا سَمِعُوهُ وَرَأَوْهُ كَمَا قِيلَ لَهُمْ.

تقديم يسوع وختانه في الهيكل

²¹ وَلَمَّا تَمَّتْ ثَمَانِيَةُ أَيَّامَ لِيَحْيُوا الصَّبِيُّ سَمِّيَ يَسُوعَ، كَمَا تَسَمَّى مِنَ الْمَلَاكِ قَبْلَ أَنْ حُبِلَ بِهِ فِي الْبَطْنِ.²² وَلَمَّا بَمَّتْ أَيَّامُ تَطْهِيرِهَا حَسَبَ شَرِيعَةِ مُوسَى صَعِدُوا بِهِ إِلَى أُورُشَلِيمَ لِيُقَدِّمُوهُ لِلرَّبِّ، كَمَا هُوَ مَكْتُوبٌ فِي تَامُوسِ الرَّبِّ: "أَنَّ كُلَّ ذَكَرٍ، فَإِنِجَ رَجَمٍ، يُدْعَى قُدُّوساً لِلرَّبِّ"،²⁴ وَلَكِنْ يُقَدِّمُوا ذَبِيحَةً كَمَا قِيلَ فِي تَامُوسِ الرَّبِّ: "زَوْجٌ يَمَامٍ أَوْ فَرْحَى حَمَامٍ".

بودند چنانکه به ایشان گفته شده بود.

ختنه و نامیدن عیسی در معبد بزرگ

²¹ و چون روز هشتم، وقت ختنه طفل رسید، او را عیسی نام نهادند، چنانکه فرشته قبل از قرار گرفتن او در رحم، او را نامیده بود.

²² و چون ایام تطهیر ایشان برحسب شریعت موسی رسید، او را به اورشلیم بردند تا به خداوند بگذرانند. ²³ چنانکه در شریعت خداوند مکتوب است که: هر ذکوری که رَجِم را گشاید، مقدس خداوند خوانده شود. ²⁴ و تا قربانی گذرانند، چنانکه در شریعت خداوند مقرر است، یعنی جفت فاختهای یا دو جوجه کبوتر.

²⁵ و اینک، شخصی شمعون نام در اورشلیم بود که مرد صالح و متقی و منتظر تسلی اسرائیل بود و روح القدس بر وی بود. ²⁶ و از روح القدس بدو وحی رسیده بود که تا مسیح خداوند را نبینی موت را نخواهی دید. ²⁷ پس به راهنمایی روح، به معبد درآمد و چون والدینش آن طفل یعنی عیسی را آوردند تا رسوم شریعت را بجهت او به عمل آورند، ²⁸ او را در آغوش خود کشیده و خدا را متبارک خوانده، گفت: ²⁹ الحال ای خداوند بنده خود را رخصت می دهی، به سلامتی برحسب کلام خود. ³⁰ زیرا که چشمان من نجات تو را دیده است، ³¹ که آن را پیش روی جمیع اُمّت ها مهیا ساختی. ³² نوری که کشف حجاب برای اُمّت ها کند و قوم تو اسرائیل را جلال بُوَد. ³³ و یوسف و مادرش از آنچه درباره او گفته شد، تعجب نمودند. ³⁴ پس شمعون ایشان را برکت داده، به مادرش مریم گفت: اینک، این طفل قرار داده شد، برای افتادن و برخاستن بسیاری از آل اسرائیل و برای آیتی که به خلاف آن خواهند گفت. ³⁵ و در قلب تو نیز شمشیری فرو خواهد رفت تا افکار قلوب بسیاری مکشوف شود.

³⁶ و زنی نبیه بود، حتّا نام، دختر قئوئیل از سبط آشیر بسیار سالخورده، که از زمان بکارت هفت سال با شوهر بسر برده بود. ³⁷ و قریب به هشتاد و چهار سال بود که او بیوه گشته از هیکل جدا نمی شد، بلکه شبانه روز به روزه و مناجات در عبادت مشغول می بود. ³⁸ او در همان ساعت در آمده، خدا را شکر نمود و درباره او به همه منتظرین نجات در اورشلیم،

²⁵ وَكَانَ رَجُلٌ فِي أُورُشَلِيمَ اسْمُهُ سِمْعَانُ، وَهَذَا الرَّجُلُ كَانَ بَارًّا تَقِيًّا يَنْتَظِرُ تَغْزِيَةَ إِسْرَائِيلَ وَالرُّوحَ الْقُدُسُ كَانَ عَلَيْهِ. ²⁶ وَكَانَ قَدْ أُوجِيَ إِلَيْهِ بِالرُّوحِ الْقُدُسِ أَنَّهُ لَا يَرَى الْمَوْتَ قَبْلَ أَنْ يَرَى مَسِيحَ الرَّبِّ. ²⁷ فَأَتَى بِالرُّوحِ إِلَى الْهَيْكَلِ، وَعِنْدَمَا دَخَلَ بِالصَّبِيِّ يَسُوعَ أَبَوَاهُ لِيَصْنَعَا لَهُ حَسَبَ عَادَةِ النَّامُوسِ، ²⁸ أَخَذَهُ عَلَى ذِرَاعَيْهِ وَبَارَكَ اللَّهَ وَقَالَ: ²⁹ الْآنَ تُطْلِقُ عَبْدَكَ، يَا سَيِّدُ، حَسَبَ قَوْلِكَ بِسَلَامٍ، ³⁰ لَأَنَّ عَيْنَيَّ قَدْ أَبْصَرْتُ خَلَاصَكَ الَّذِي أَغَدَدْتُهُ قُدَّامَ وَجْهِ جَمِيعِ الشُّعُوبِ، ³² نَوْرَ إِعْلَانٍ لِلْأَمَمِ وَمَجْدًا لِشُعْبِكَ إِسْرَائِيلَ. ³³ وَكَانَ يُوسُفُ وَأُمُّهُ يَتَعَجَّبَانِ مِمَّا قِيلَ فِيهِ. ³⁴ وَبَارَكُهُمَا سِمْعَانُ وَقَالَ لِمَرْيَمَ، أُمُّهُ: هَا إِنَّ هَذَا قَدْ وُضِعَ لِسُفُوطٍ وَقِيَامٍ كَثِيرِينَ فِي إِسْرَائِيلَ وَلِعَلَّامَةٍ تُقَاوَمُ، ³⁵ وَأَنْتِ أَيْضًا تَجُوزِينَ فِي نَفْسِكَ سَيْفٌ، لِيُعْلَنَ أَفْكَارُ مِنْ قُلُوبٍ كَثِيرَةٍ.

³⁶ وَكَانَتْ نَبِيَّةٌ، حَتَّى بَنَتْ قَئُوئِيلَ مِنْ سَبْطِ أَشِيرَ، وَهِيَ مُتَقَدِّمَةٌ فِي أَيَّامٍ كَثِيرَةٍ، قَدْ عَاشَتْ مَعَ رُوحٍ سَبْعِ سِنِينَ بَعْدَ بُكَورِ بَيْتِهَا، ³⁷ وَهِيَ أَرْمَلَةٌ تَحْوُ أَرْبَعَ وَتَمَائِينَ سَنَةً، لَا تُقَارِفُ الْهَيْكَلَ، عَائِدَةً بِأَصْوَامٍ وَطِلْبَاتٍ لَيْلًا وَنَهَارًا. ³⁸ فَهِيَ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ وَقَفَتْ تُبَسِّحُ الرَّبَّ وَتَكَلَّمَتْ عَنْهُ مَعَ جَمِيعِ الْمُتَنَظِّرِينَ فِدَاءً فِي أُورُشَلِيمَ.

الرجوع الى الناصرة ويسوع الصبي في الهيكل

³⁹ وَلَمَّا اكْمَلُوا كُلَّ شَيْءٍ حَسَبَ تَامُوسَ الرَّبِّ رَجَعُوا إِلَى الْجَلِيلِ إِلَى مَدِينَتِهِمُ النَّاصِرَةِ. ⁴⁰ وَكَانَ الصَّبِيُّ يَنْمُو وَيَتَقَوَّى بِالرُّوحِ مُمْتَلِئًا حِكْمَةً، وَكَانَتْ نِعْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ. ⁴¹ وَكَانَ أَبَوَاهُ يَذْهَبَانِ كُلَّ سَنَةٍ إِلَى أُورُشَلِيمَ فِي عِيدِ الْفِصْحِ. ⁴² وَلَمَّا كَانَتْ لَهُ اثْنَا عَشْرَةَ سَنَةً صَعِدُوا إِلَى أُورُشَلِيمَ كَعَادَةِ الْعِيدِ. ⁴³ وَبَعْدَمَا اكْمَلُوا الْيَّامَ بَقِيَ عَنْدَ رُجُوعِهِمَا الصَّبِيُّ يَسُوعُ فِي أُورُشَلِيمَ، وَيُوسُفُ وَأُمُّهُ لَمْ يَعْلَمَا. ⁴⁴ وَإِذْ طَنَاهُ بَيْنَ الرَّفَقَةِ ذَهَابًا مَسِيرَةَ يَوْمٍ وَكَانَا يَطْلُبَانِهِ بَيْنَ الْأَقْرَبَاءِ وَالْمَعَارِفِ. ⁴⁵ وَلَمَّا لَمْ يَجِدَاهُ رَجَعَا إِلَى أُورُشَلِيمَ يَطْلُبَانِهِ. ⁴⁶ وَبَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ وَجَدَاهُ فِي الْهَيْكَلِ جَالِسًا فِي وَسْطِ الْمُعَلِّمِينَ يَسْمَعُهُمْ وَيَسْأَلُهُمْ. ⁴⁷ وَكُلُّ الَّذِينَ سَمِعُوهُ يَهْتُفُوا مِنْ فَهْمِهِ وَأَجْوَبَتِهِ. ⁴⁸ فَلَمَّا أَبْصَرَاهُ انْدَهَشَا، وَقَالَتْ لَهُ أُمُّهُ: يَا بُنَيَّ، لِمَاذَا فَعَلْتَ بِنَا هَكَذَا؟ هُوَذَا أَبُوكَ وَأَنَا كُنَّا نَطْلُقُكَ مُعَذِّبِينَ؟ ⁴⁹ فَقَالَ لَهُمَا: لِمَاذَا كُنْتُمَا تَطْلُبَانِي؟ أَلَمْ تَعْلَمَا أَنَّهُ يُتَّبَعِي أَنْ أَكُونَ فِي مَا لِأَبِي؟ ⁵⁰ فَلَمْ يَفْهَمَا الْكَلَامَ

تکلم نمود.

³⁹ و چون تمامی رسوم شریعت خداوند را به پایان برده بودند، به شهر خود ناصره جلیل مراجعت کردند. ⁴⁰ و طفل نمو کرده، به روح قوی می‌گشت و از حکمت پر شده، فیض خدا بر وی می‌بود.

عیسی نوجوان در معبد بزرگ

⁴¹ و والدین او هر ساله بجهت عید فصّح، به اورشلیم می‌رفتند. ⁴² و چون دوازده ساله شد، موافق رسم عید، به اورشلیم آمدند. ⁴³ و چون روزها را تمام کرده، مراجعت می‌نمودند، آن طفل یعنی عیسی، در اورشلیم توقّف نمود و یوسف و مادرش نمی‌دانستند. ⁴⁴ بلکه چون گمان می‌بردند که او در قافله است، سفر یکروزه کردند و او را در میان خویشان و آشنایان خود می‌جستند. ⁴⁵ و چون او را نیافتند، در طلب او به اورشلیم برگشتند. ⁴⁶ و بعد از سه روز، او را در هیکل یافتند که در میان معلمان نشسته، سخنان ایشان را می‌شنود و از ایشان سؤال همی‌کرد. ⁴⁷ و هر که سخن او را می‌شنید، از فهم و جوابهای او متحیر می‌گشت. ⁴⁸ چون ایشان او را دیدند، مضطرب شدند. پس مادرش به وی گفت: ای فرزند چرا با ما چنین کردی؟ اینک، پدرت و من غمناک گشته تو را جستجو می‌کردیم. ⁴⁹ او به ایشان گفت: از بهر چه مرا طلب می‌کردید؟ مگر ندانسته‌اید که باید من در امور پدر خود باشم؟ ⁵⁰ ولی آن سخنی را که بدیشان گفت، نفهمیدند. ⁵¹ پس با ایشان روانه شده، به ناصره آمد و مطیع ایشان می‌بود و مادر او تمامی این امور را در خاطر خود نگاه می‌داشت. ⁵² و عیسی در حکمت و قامت و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی می‌کرد.

الَّذِي قَالَ لَهُمَا: ⁵¹ ثُمَّ تَزَلَّ مَعَهُمَا وَجَاءَ إِلَى النَّاصِرَةِ وَكَانَ خَاصِعًا لَهُمَا. وَكَانَتْ أُمُّهُ تَحْقُطُ جَمِيعَ هَذِهِ الْأُمُورِ فِي قَلْبِهَا. ⁵² وَأَمَّا يَسُوعُ فَكَانَ يَتَقَدَّمُ فِي الْحِكْمَةِ وَالْقَامَةِ وَالنَّعْمَةِ عِنْدَ اللَّهِ وَالنَّاسِ.